



پاسخی به قندهگران

کتاب

هدیه‌نامه‌ی

به دنبال اعلام موضع رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران مبنی بر طرد فراکسیون شرفکندی - قاسملو و رد خط مشی راستگرایانه و انحرافی این فراکسیون، رادیو بدل (بلندگوی تبلیغاتی فراکسیون) در این رابطه اقدام به پخش دو گفتار هیستریک نمود که در واقع دفاعیه‌ای سرپا کذب از عملکردها و سیاستهای انحرافی و ضدحزبی فراکسیون در برابر مواضع اصولی و انقلابی حزب بود. رادیو بدل در این گفتار رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران را هدف حملات تبلیغاتی خود قرار می‌دهد، به آن تهمت می‌زند و در این راه از توسل به هیچ نوع شائناژ و جعلیاتی تردیدی نشان نداده، فتنه‌گران را از هرگونه خطا و جرمی مبرا معرفی می‌کند.

رادیو بدل در آغاز به تشریح اعلامیه‌ای می‌پردازد که روز قبل از طرف کمسیون با اصطلاح سیاسی - نظامی منتشر شده است. در این اعلامیه ادعا میشود که گویا یانزده نفر از اعضای کمته، مرکزی و دفتر سیاسی و اعضاء علی‌البدل و مشاورین کمته، مرکزی از حزب مستعفی شناخته شده و از اینرو فاقد ارتباط با حزب دمکرات هستند. همه میداتند که رهبری انقلابی

حزب دمکرات کردستان ایران دقیقا هفت روز قبل از صدور اعلامیه کذایی، فراکسیون شرفکندی- قاسملو را به دلایلی که در اعلام موضع روز اول فروردین ماه سال ۱۳۶۷ آمده طرد کرده است. بنا براین اقدام فراکسیون مبنی بر صدور یک چنین اطلاعیه‌ای جز یک مزاح چیز دیگری نمی‌تواند باشد. نویسندگان "اطلاعیه" یا اصطلاح خواست‌هاند با این شاهکار! خود بازهم از قیومت خود بر حزب دمکرات یاد کرده، چنین وانمود نمایند که همچنان بر حزب دمکرات کردستان ایران تسلط دارند و میتوانند طرد خود را عملی کم‌اهمیت جلوه دهند.

کفتار هیستریک فراکسیون کذایی با این ادعا که "رفتن این اشخاص" (منظور بانزده نفر از اعضاء دفتر سیاسی، کمیته مرکزی و اعضاء علی‌البدل و مشاورین کمیته مرکزی) به حزب دمکرات زیانی نخواهد رساند، آغاز میشود. بدوا باید گفت هدف فراکسیون از چنین اظهاراتی اینست و انمود کند تنها چند نفر از اعضاء رهبری حزب دست به انشعاب زده‌اند. اما اگر ادعای فوق باین مفهوم باشد که عده مذکور برای بازسازی حزب سلطه فراکسیون شرفکندی- قاسملو بر حزب دمکرات را رد کرده، آنان را از حزب رانده‌اند و اقدام آنها زیانی به حزب نمی‌رساند کاملا صحیح است و جای بحث نیست. اما اگر فراکسیون برای عملکردهای ناروای خود در "کنگره" که منجر به طرد آن از حزب گردید توجیحات بسیار مسخره و جعلیات عدیده‌ای سرهم‌بندی کند و خود را همچنان قیم حزب بداند، واقعیات چیز دیگری است. هم‌اینک همه سازمانهای سیاسی از واقعیت‌های موجود و بی‌اعتباری گفته‌ها و ادعاهای غیرواقعی گردانندگان فراکسیون کذایی اطلاع کافی دارند و سازمانهای حزبی نیز در اعلامیه‌های

متعدد در این زمینه به مسئولیت خود عمل کرده‌اند. پس از اعلام همبستگی دو نیروی پیشوا و آربابا و کمیته‌های شهرستان‌های مهاباد و بانه، اکثریت کادرهای کمیته، شهرستان سردشت و بخشهای بزرگی از کادرها و مسئولین نظامی منطقه، سپی‌سنگ، اکثریت پیشمرگان شاخه، یک نیروی قنبدیل، دو تیم از پیشمرگان شاخه‌های ۲ و ۳ی این نیرو، یک تیم از پیشمرگان مقر مرکزی منطقه، سپی‌سنگ و کادرهای مقر دفتر سیاسی و قریب ۹۰٪ از کادرها و اکثریت پیشمرگان کمیون امور اجتماعی و بخش چشمگیر دیگری از کادرها و پیشمرگان به رهبری انقلابی، تا تاریخ انتشار گفتار یادشده، دیگ خشم فراکسیون شرفکندی- قاسعلو به حشوش آمد و از اینکه "فتنه"ی فرد دوم فراکسیون که شخصا در آخرین پلنوم کمیته، مرکزی و در آخرین جلسه، "کنگره" و نیز در گردهمایی وسیع کادرها و پیشمرگان در مقر دفتر سیاسی مسئولیت آثار و نتایج آن را بر عهده گرفت، نقش بر آب شد، بازار شایعه‌سازی عمال فراکسیون علیه رهبری انقلابی حزب هرچه بیشتر داغ شد و سرکردگان آن با توسل به انواع دسایس درصدد برآمدند مسب "بحران" در حزب را رهبری انقلابی یا مجاهدین خلق بشناسانند و به این ترتیب از قبول هر نوع مسئولیتی در این باره شانه خالی کنند.

بدیهی است که اعضاء کمیته، مرکزی و کادرها و پیشمرگان حزب دمکرات نمیتوانستند در مقابل فرد یا افرادی که خود را علنا عامل فتنه‌انگیزی در حزب معرفی میکردند و به فتنه‌گری و توطئه‌حینی خود علیه تمامیت حزب مباحثات می‌نمودند، بی‌تفاوت بمانند و آنها را از حزب برانند، و این ضرورتی بود که اکثریت کادرها و بدنه، حزب آنها درک کرده بودند.

فسدگراں پیشانی‌ش از عواقب‌کردار حزب بریافته خود کاملاً آگاه بودند و عالماً عامداً طرح توطئه علیه حزب را ریخته بودند. همه نمایندگان حاضر در "کنگره" و کلمه "شرکت‌کنندگان" در آخرین بلنوم قبل از تشکیل "کنگره" هشتم" گفته‌های دکترا سعلو را خوب یاد دارند که میگفت: "آنچه را که من میگویم نتیجه یکسال فکر من است، من نه شاعرم و نه هنرمند که فی‌البداهه شعر بگویم. در هر حزب سیاسی عده‌ای باید بیایند و عده‌ای هم باید بروند، باید برای اینکار راه‌حلی پیدا کنیم. این کار را باید با احترام انجام دهیم." باین ترتیب طراحان برنامه با آوردن یک لیست فیکس بخیال خود طرفدارانشان را از حـزب دمکرات جدا کردند و به انشعابی که مورد نظرشان بود جامعه عمل پوشاندند. در جریان "کنگره" فتنه "فراکسیون وسیعاً مـورد اعتراض کادرها و نمایندگان قرار گرفت. بسیاری از نمایندگان "لیست فیکس" و ابداع‌کننده آن را اینچنین ریشخند کردند: "ره‌هبر ده‌بی‌ثاوابی، لیستی فیکسی هینابی". بعلاوه اعلام موضع رهبری انقلابی به فتنه‌گران فهماند که حزب دمکرات کردستان ایران، حزب هزاران شهید و زخمی و معلول و هزاران پیشمرک و کادر فداکار و حزب مردم کردستان، شرکت بازرگانی خصوصی تنی چند از باندبازان سیاسی نیست و نمیتوان با سانس آنرا قبضه نمود یا با آن معامله کرد. اعلام موضع رهبری انقلابی اقدام بموقع و بسیار سنجیده‌ای بود که "فتنه" فتنه‌گران را در نطفه خفه کرد.

"اطلاعیه" کونه "فراکسیون" که رادیو بدل توضیح آنرا ضروری میدانند، یا نشر اکاذیبی همچون باندبازی، تحریکات، منفعل کردن کادرها و پیشمرگان و نسبت دادن بعضی رفتارهای غیراخلاقی

و غیرانسانی که گویا اعضاء کمیته مرکزی حزب مروج و بانسی آن بوده‌اند، تلاش میکند خود را از مسئولیت همه سیه‌کاریها و فسادى که در حزب وسیله خود فراکسیون ترویج میشده است، مبرا نماید.

گویی عالیجنابان فراموش کرده‌اند یکی از اعضاء مرکزیت حزب ما در کنفرانس مقر دفتر سیاسى و در آخرین پلنوم کمیته مرکزی قبل از "کنگره هشتم" فراکسیون آقایان را مسبب همه فسادکاریها در حزب معرفی کرد و در پلنوم کمیته مرکزی دلایل و مدارک متعددی پیش روی دکتر قاسملو و مریدانش گذاشت. اما آقایان با این تعبیر که "فساد تعریف مشخصی ندارد و هرکسى به گونه جداگانه‌ای آنرا تعبیر و با آن برخورد مینماید"، مساله را خارج از موضوع دانستند و به هیچ عنوان حاضر به بحث پیرامون آن نشدند. اگر سلطه‌جویان فتنه‌گر اصرار دارند که وجود فساد و گسترش آن در صفوف هواداران فراکسیون از رهبری آنان ناشی نشده، ما میتوانیم مدارک لازم در اینمورد را برای اطلاع عموم منتشر نماییم. همچنین در مورد رفتارهای غیراخلاقی و غیرانسانی که فراکسیون رهبری انقلابی را بدانها متهم میکند، این فرمایشات بسیار تعجب‌انگیز است، چرا که گردانندگان فراکسیون نشان داده‌اند نه با اخلاق سیاسى میانه‌ای دارند و نه با رفتار انسانی و انصاف و مروت‌آشنایی دارند. حال چه شده است که اینجنین به منبر میروند؟ خوب شد بالاخره آقایان گفتند که در زیر آسمان کی بود اساسا مقوله‌ای به نام اخلاق و رفتار انسانی وجود دارد. از قدیم گفته‌اند پیش‌گیر تا پس‌نیفتی. همه آنانکه در صفوف حزب ما هستند و یا به دلایلی از حزب رفته‌اند، عمده‌ترین مساله‌ای که آنها را همواره

آزار میداده است برخورد غیراخلاقی و غیرانسانی سران و سرکردگان فراكسیون و عوامل و سرسپردگان آنها با توده‌های حزبی بوده است و بس. چرا که این فرهنگ منحط در حزب مـا رهاورد کسی جز خود آقایان نبوده است. اگر فراكسیون بازان در گفته خود صادق بودند حداقل برای یکبار هم شده در یکی از جلسات و یا گردهمایی‌ها به مورد یا مواردی از فساد "مفسدین" اشاره‌ای میکردند تا دیگران حساب کار خود را بدانند - آب از سرچشمه گل‌آلود بوده. پرسیدنی است که تاکنون چه کسی در این رابطه از طرف آقایان مؤاخذه شده؟ مگر آنها فراموش کرده‌اند که در آخرین پلنوم کمیته مرکزی پیش از "کنگره هشتم" یکی از اعضاء کمیته مرکزی، که هم‌اینک مقرب درگاه است، در برابر تعلیق مجازات سارقی که دسترنج یک ساله تنی چند از زحمتکشان "گه‌ورهدی" را دزدیده بود، شکایتها داشت، لیکن از آنجا که سارق موردنظر از بستگان نزدیک "همکاره"، "عزیز-دردانه" آقای صادق شرفکندی بود، بدون تحمل هیچگونه مجازاتی "قصر" در رفت؟! آیا شما در آخرین پلنوم کمیته مرکزی منتخب کنگره هفتم علیه ناقضین دستورالعمل‌های حزبی و اعمال خلاف انسانی کسانی که اکنون "فالانژ" و مجری بی‌چون و چـرای فرامین شما هستند گزارشها دریافت نکردید؟ حالا بگوئید چه اقدامی علیه آنها بعمل آوردید؟! آیا فراكسیون میتواند با افراد فاسدی که مشیر و مشاور و مامور و مجری کارهای روزانه هستند کمترین برخوردی بکند؟ رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران با احساس این ضرورت خود را مؤظف و متعهد به حراست از اصول و ارزشهای انسانی و اخلاقی میداند و عمیقاً به آن پایبند است. بسیاری از کادرها و بدنه حزب، اعضاء

رهبری انقلابی حزب دمکرات را از نزدیک می‌شناسند و به ناروا -
بودن اتهامات فراکسیون علیه آنان ایمان دارند.
سران فراکسیون، که حزب دمکرات را تیول آباء و اجدادی
خود تصور می‌کنند، در توضیح "اطلاعیه" از اینکه رهبری انقلابی
حزب دمکرات کردستان ایران نام دیگری بر خود ننهاده ایـراز
ناراحتی کرده پیش‌گویی میکنند و اطمینان می‌دهند چـند
نخواهد گذشت رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران گمنام
از دنیا خواهد رفت. معلوم نیست اگر آقایان تا این حد از
پیش‌گویی خود "اطمینان" دارند چرا و به چه علت خاطر آسوده
خویش را مشوش می‌دارند؟

آقایان در جای دیگری از گفتار از "سرقتم نام حزب و
ارزان فروش کردن" آن توسط رهبری انقلابی سخن می‌گویند. لابد
نویسندگان اطلاعیه میدانند اگر شخصی آنچه را که متعلق به
خود اوست تصرف نماید و هویت خود را آشکارا اعلام کند دزد
نامیده نمی‌شود. واقعیت این است که اقدام رهبری انقلابی در
حقیقت خلع ید از کسانی بوده است که مدت‌ها با توسل به شیوه
تصرف عدوانی، حزب را به زیر سلطه خود کشیده بودند. اتهاماتی
از قبیل دزدی و جعل و غیره شایسته کسانی است که بخش اعظم
دارائیهای حزب را در خارج از کشور بنام خود ثبت کرده‌اند و
دزدانه و بدون اطلاع اعضا "کنگره" مواد برنامه و اساسنامه را
تغییر می‌دهند. (این مطلبی است که بعداً به آن اشاره خواهد شد)
نام حزب دمکرات کردستان ایران را خون شهدا و اشک و عرق
جبین و رنج هزاران مبارز در بدر و زندانی و پیشمرگ قهرمان
حزب بلندآوازه کرده است. نگاهی به ترکیب رهبری انقلابی
بیاندازید تا دریابید چه افرادی در آن عضویت دارند. آیا

کمند کسانی که بیشترین سالهای عمر خود را در مبارزه علیه رژیم شاه سپری کرده‌اند؟ آیا رنجها و مشقاتی که این رثقا در طول سالهای متوالی در زندانهای قزل قلعه، فلک الافلاک، قصر و غیره متحمل گشته‌اند، در نزد مردم حقشناس کردستان و بویژه در پیشگاه اعضاء، کادرها و پیشمرگان قهرمان حزب نادیده گرفته می‌شود؟ و آیا آنها که پیش از انقلاب و در تمامی سالهای سلطه رژیم پهلوی، حتی در دوران نخست وزیری مرحوم دکتر محمد مصدق، که جو نسبتا دمکراتیکی بر جامعه ایران حکمفرما بود، ولو برای یکبار جرات نکردند در یک تظاهرات خیابانی شرکت نمایند حق دارند حزب را از آن خود بدانند؟ آیا آنها که حتی در بهار سال ۵۸ از مخالفان سرسخت حزب بودند و بعدها با خواهش و تمنای بعضی از رهبران وقت حزب، با اکراه تمام عضویت در حزب را پذیرفتند و "یک شبه ره صدساله" را پیمودند و یگراست بر مسند دفتر سیاسی تکیه زدند، مالک انحصاری حزبند؟ یا بالاخره عزیزدردانه‌ای که در درون حزب به عنوان سبیل دروغگویی، چاپلوسی و فقدان هرگونه صلاحیت سیاسی مشهور خاص و عام شده است، و چند و چندین نفر دیگر از همین قماش، ادامه دهندگان راه قاضی محمد و وارثان برحق حزب دمکرات هستند؟ بازهم پرسیدنی است که مثلا کسانی از اعضاء "دفتر سیاسی" فراقسیون که در تمام مدت ۹ سال گذشته قدمی به خارج از مرکزیت حزب نگذاشته‌اند، از وارثین حزب به حساب می‌آیند؟ آنها که خود حتی یکبار مسئولیتی را در بیرون از بارگناه دبیرکل نپذیرفته‌اند و در تمام این مدت، یک ماه، یک هفته و حتی یکروز را در جوار پیشمرگان بسر نبرده‌اند و همواره "خوب خورده‌اند و راحت خوابیده‌اند" به چه حقی خود را قیم و صاحب

اختیار بلامعارض حزب می‌شناسانند؟ اما آیا سران و سرکردگان فراکسیون می‌توانند این واقعیت را انکار کنند که اکثریت قریب به اتفاق اعضاء رهبری انقلابی را کسانی تشکیل می‌دهند که طی نه سال گذشته با تحمل سختی‌ها و مرارت‌های توانفرسا در دورافتاده‌ترین نقاط کردستان مسئولیت‌های دشوار حزبی را بر عهده داشته‌اند و در اینراه از رویارویی با هیچگونه خطراتی گریزان نبوده‌اند؟ در دیزی باز است، حیای گربه کجا رفته؟! توده‌های حقشناس مردم کردستان، همه! سازمان‌های انقلابی و بویژه کادرهای مؤمن و پیشمرگان دلیر حزب خود در اینبار قضاوت خواهند کرد.

فراکسیون شرفکندی - قاسملو در مورد مشی راستگرایانه و انحرافی و سازشکاری‌های خود با امپریالیزم مزورانه میکوشد خود را قهرمان مبارزه با امپریالیزم جا بزند. واقعیت اینست که در تمامی سال‌های گذشته فراکسیون مذکور خط سازش با سوسیال دمکراسی و نزدیکی با امپریالیزم بویژه امپریالیزم آمریکا را تعقیب می‌کرده است. تجزیه و تحلیل‌هایی که آقای قاسملو از امپریالیزم در جلسات کمیته مرکزی ارائه می‌داد، کمترین تردیدی در این زمینه باقی نگذاشته بود که این مدعیان چگونه گرایش براست را در برنامه کارشان گنجانده بودند. مگر حضرات فراموش کرده‌اند که سخنان دکتر قاسملو در پلنوم کمیته مرکزی و تعاریف و تعابیر وی از امپریالیزم چگونه مورد اعتراض دو نفر از اعضاء کمیته مرکزی وقت قرار گرفت؟ لاید دکتر قاسملو از یاد نبرده‌اند هنگامی که تعبیر حدیث‌اش از امپریالیزم را در کمیته مرکزی به سمع اعضاء می‌رسانید یکی از اعضاء مرکزیت (دفتر سیاسی) خطاب به

او گفتند که: "دکتر، با این تعبیری که شما از امپریالیسم کردید، باید امپریالیسم موجود بسیار خوبی باشد!" و عضو دیگر مرکزیت گفتند: "با این حساب متباعد پس از ذکر نام امپریالیسم باید عبارت "قدس الله سره العزیز" را نیز اضافه کرد!"

فراکسیون شرفکندی- قاسملو در بخشی از گفتار رادیویی مزورانه میگوید که چهره، آنتی کمونیستی و ضدیت خود با کشور- های سوسیالیستی را از انظار مخفی نگهدارد و حقایق را برخلاف آنچه که هست وارونه نشان دهد. حامیان تز نزدیکی با سوسیال- دمکراسی اروپایی میگویند در پشت عباراتی نظیر برقراری روابط اصولی با کشورهای سوسیالیستی سنگر بگیرند و آنگاه رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران را هدف قرار دهند، درحالیکه فراموش میکنند که در تمامی سالهای گذشته همه دستگاههای تبلیغاتی حزب برای فاصله گرفتن از کشورهای سوسیالیستی توسط این فراکسیون قبضه شده بود، آنها هیچگاه حاضر نمی شدند گزارش مربوط به روابط حزب با کشورهای مختلف جهان را به اطلاع کمیته مرکزی حزب برسانند. تنها هنگامی که فراکسیون از طرف بسیاری از رفقای کمیته مرکزی استیضاح میشد، گزارشی ناقص و مبهم به حاضرین تحویل می داد. فراکسیون تلاش می کرد چنین وانمود کند که گویا حزب ما با کشورهای سوسیالیستی روابط نزدیک دارد اما با این بهانه که آن دولت ها نمی خواهند کسی از این روابط آگاه شود از دادن توضیحات کافی خودداری میکردند. شیوه پنهانکاری آقای قاسملو در برقراری روابط با کشورهای خارجی آنچنان بود که حتی مشاور تصدق گویش در یکی از جلسات کمیته مرکزی ناپرهیزی کرد و نسبت به نتایج اقدامات وی به نوعی هشدار داد. اینکار باعث گردید دکتر قاسملو در حضور اعضاء کمیته مرکزی

با عصیانیت تمام به‌وی پرخاش نماید، توجیحات و التماس‌های بعدی شخص موردنظر نتوانست "آب‌رفته را به جوی بازگرداند". از اینرو مبعوض شد و بناچار خود کنار کشید. لابد رهبری فِراکسیون از یاد نبرده است که چگونه یکی از اعضاء سابق دفتر سیاسی را به اتهام تماس با نمایندگان سفارتخانه‌های کشورهای سوسیالیستی در پاریس مؤاخذه کردند، و با توسل به انواع دوز و کلک‌ها و شانتاژها بالاخره از عضویت دفتر سیاسی برکنار نمودند!

متهم‌کردن رفقای رهبری انقلابی به داشتن احساسات ضد سوسیالیستی دروغ و قیحانه‌ایست. همه بدنه حزب میدانند که آوردن "لیست فیکس" توسط رهبری فِراکسیون صرفاً بمنظور کناره‌گذاشتن کسانی بوده است که با راستگرایی رهبری فِراکسیون شدیداً مخالفت کرده‌اند. همه میدانند که مدت‌هاست فِراکسیون بازان با سوسیال‌دمکراسی اروپا، که رسالتی جز دفاع از مناسبات سرمایه‌داری ندارد، همکاسه هستند.

فِراکسیون بازان ایراد میگیرند چون رهبری انقلابی حزب دمکرات‌کردستان ایران در اعلام موضع خود از اتحاد شوروی نام نبرده است، با آن کشور و با دمکراسی در اعماق درون خود خصومت میورزند. عجب نتیجه‌گیری عالمانه‌ای! صرفنظر از اینکه کف‌بینی‌ها و روانکاوی‌های آقایان همواره خلاف واقع را نمایانده در محاسبات سیاسی نیز حضرات اغلب دچار اشتباه شده‌اند، که بارزترین نمونه آنرا در "کنگره هشتم" همه دیدند. آنها با این گفته مشت‌خود را باز میکنند. چرا که حضرات برای دوستی با کشورهای سوسیالیستی ارزشی قائل نیستند. گذشت که از آنها آنان از رهنمودها و خط‌سیاسی سوسیال - دمکراسی اروپا

شوروی میکنند و معلوم نیست که حسن مقولاتی چه ارتباطی به آنها دارد؟! واقعاً است که بطاهر آنها به دوستی یا اتحاد شوروی هر یک مزاج نمی‌تواند حیز دیگری باشد. اگر رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران در بند اول اعلام موضع خود به بازسازی بناهای ضد امپریالیستی حزب تاکید دارد و آنرا جزو وظائف و آرمان تخطی‌ناپذیر خود قرار میدهد بسیار طبیعی است که در این مبارزه در کنار کشورهای موقی و سوسیالیستی و از جمله اتحاد شوروی قرار گیرد. حزب ما در این رابطه از سیاستی بیرونی میکند که مبتنی بر حفظ استقلال خود در امر تصمیم‌گیری در رابطه با کشورهای دیگر باشد و در این راه به رعایت احترام متقابل کاملاً پایبند است. اکثریت اعضای کمیته مرکزی حزب ما همواره در برابر فراقسیون بازان از استقلال حزب حمایت کرده و سیاست‌های بن‌بازانه و دورویانه آنها را به زیان حزب دانسته‌اند، و بزرگترین مانع راست‌روی‌ها و کرایشات انحرافی آنان بوده‌اند. فراقسیون‌ها نمی‌توانند با این طرفندها احساسات ضد سوسیالیستی و آنتی‌کمونیستی خود را مخفی سازند.

گندم‌نمایان حوفروش، از یکطرف با همه قدرت در بوقه‌های تبلیغاتی می‌دمند که "دیدید یا آخره پیش‌بینی‌های ما در مورد روند دمکراتیزه شدن در شوروی به تحقق پیوست! می‌بینید که آقای گورباچف سیستم انتخابات در شوروی را تغییر داده است و از این ببعد برای انتخاب یک نفر، دو نفر کاندیدا معرفی می‌شوند!" اما از طرف دیگر، همین حضرات که در مورد انتخابات دمکراتیک در شوروی داد سخن می‌دهند، خود در "کنگره حزبی" دست به "ابتکار" نابی می‌زنند که در تاریخ هیچک از احزاب

دمکرات و انقلابی سابقه نداشته است. آنها بر خلاف نص صریح اساسنامه، همه اعضا شرکت کننده در "کنگره" را از بدیهی ترین حق خود، که همانا حق انتخاب کردن و انتخاب شدن است محروم می سازند، و با تحمیل لیست ثابتی از افراد مورد نظر خود، آخرین بقایای دمکراسی درون حزبی را علنا پایمال می کنند. از حق نباید گذشت رهبران فراكسیون چاره ای جز این نداشتند چرا که چنانچه تن به قبول راه و روشهای معمول و دمکراتیک می دادند، هرگز نمی توانستند عوامل و دست نشاندهان خود را از خطر سقوط برهانند. اگر شرکت کنندگان در "کنگره" این حق را از دست نمی دادند که آزادانه و بدون از هرگونه توطئه، دسیسه و تهدیدی به افراد با صلاحیت رای بدهند، بلبه قربان گویان بسیاری بهر جهت، همانانکه دهها و صدها کادر و پیشمرگ حزب را با بیرحمی از حزب رانده یا به انفعال کشانده اند، و آنها که تمامی اصول و ارزشهای انسانی را پایمال کرده و برنامه و اساسنامه حزب را ملعبه دست خود قرار داده اند، هرگز نمی توانستند در پناه قدرت پرستان سلطه جو در ارکانهای عالی حزب جا خوش کنند.

نویسندگان گفتار درهم برهم و هیستریک از یکسو برای سرپوش گذاشتن بر شکست فتنه، خود از سازمان مجاهدین بعنوان عامل خارجی موثر در اعلام موضع رهبری انقلابی نام میبرند و از سوی دیگر بحال خود میخواهند رهبری انقلابی را به خاطر طرد فتنه انگیزان زیر سوءال بربند. همه میدانند که این نوع اتهام پراکنی کار سیاست بازان افشاشده ایست که دروغگویی و رباکاری را اساس سیاستهای خود قرار داده اند. این قبیل اتهام زنیها و افتراات صرفا بعنوان وسله ای جهت تحریک و اغوای

احزاب و سازمانهای ایرانی و کردستانی علیه رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران صورت میگیرد. ما عمیقاً بر این باوریم که این شکرده رذیلتها و این سیاست ماکیاولیستی از پیش محکوم به شکست است چرا که حزب ما همواره تلاش کرده است با همه سازمانها و احزاب مترقی اعم از ایرانی و کردستانی و غیره با تعهد به سیاست عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر روابط اصولی برقرار کند. به چه دلیل برقراری روابط اصولی با سازمان مجاهدین برای رهبری انقلابی گناه کبیره محسوب میشود؟ جارجیان فراکسیون که زمانی در مدح و ستایش از خود برای همکاری با مجاهدین مقالات متعددی نوشته و ورود به شورای ملی مقاومت را یکی از دستاوردهای بزرگ خود قلمداد میکردند، اکنون به چه علت از وجود روابط دوستانه میان حزب و سازمان مجاهدین خلق اینگونه دستخوش وحشت شده اند؟ مگر سیاست رسمی و اعلام شده، حزب ما تا تاریخ برگزاری "کنگره" هشتم، در رابطه با سازمان مجاهدین تلاش برای جلب همکاری با آن سازمان نبود؟! از اینها گذشته مگر خود دکتر قاسملو در "کنگره" به صراحت اعلام نکرد: "برای برقراری روابط نزدیک و همکاری با سازمان مجاهدین با آن سازمان تماس گرفته ایم"؟ چرا این کار برای فراکسیون گناه محسوب نمیشود؟ حال اینجاست که آقایان عدم طرح "شعار" جبهه، دمکراتیک - ضد امپریالیستی را در اعلام موضع رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران اقدامی برای خوشامد سازمان مجاهدین قلمداد میکنند، درحالیکه میدانند مجموعه اقدامات آنان برای جذب سازمانهای مترقی به جبهه، دمکراتیک ضد امپریالیستی در "کنگره" با نومیادی تلقی گردید و دکتر قاسملو در جواب این سوءال که با چه احزاب و نیروهای

جبهه، وسیع دمکراتیک - ضد امپریالیستی تشکیل خواهد داد، عا حـر ماند، چراکه سازمانهای اپوزسیون مترقی حاضر به شرکت در یک جبهه با گردانندگان فـراکسیون نیوده و نیستند. حـود حضرات نیز بدلیل گرایشهای راستگرایانه تعاملی به این کار ندارند و عمده کار و فعالیت آنان در اینمورد صرفاً به شعار - دادن محدود شده است و بس. اگر در جلسات کمیته، مرکزی در مورد سرنوشت جبهه از آقایان سوال می شد چیزی برای گفتن نداشتند. چرا که این حضرات سازمانهای دمکرات و انقلابی را همواره فاقد نیرو تصور کرده اند و بالاخص همکاری با نیروهای انقلابی را موجب رمیدن سوسیال - دمکراسی اروپا و نیروهای ارتجاعی و شخصیت های بدنامی نظیر مدنی و بختیار دانسته اند. از همه، اینها گذشته، سازمانهای مترقی و دمکرات چگونه با فراکسیونی که خود را در حرف هوادار پلورالیزم سیاسی معرفی میکنند ولی در عمل حتی در داخل حزب خود به دلیل واهی "سک کار متفاوت" فتنه گری میکنند و حزب را دچار یک بحران درونی مینمایند و خود دست به انشعاب می زنند، حاضر به تشکیل جبهه می شوند؟ و اما در رابطه با تحقیق و اخراج کادرها که در گذشته به بهانه، ایجاد هماهنگی و "جراحی کردن عمده، سرطانسی" (به نقل از گفته، یکی از اعضای "دفتر سیاسی" فراکسیون) در کمیته ها و سازمانهای حزبی صورت گرفته است، نمونه ها بقدری زیادند که مجال آوردن و انتخاب آنها فعلاً نیست. اما از آنجا که پاره ای از این حقایق در اعلامیه، پشتیبانی کمیته، شهرستان سردشت (که به امضاء ۱۶ نفر از کادرهای با سابقه رسیده منعکس شده است، جهت آگاهی بیشتر عموم اعلامیه، یاد شده را مجدداً تکثیر و ضمیمه مینمائیم. حالت توجه آنست که همه، کادرهای

را که گفتار فراکسیون از آنها بعنوان "انگل" نام میبرد چند روز قبل از صدور اعلامیه همبستگی آنها با رهبری انقلابی، از طرف حضرات دعوت به کار می‌شوند و به آنها پست‌هایی نظیر ریاست زندان و مسئولیت اداره بخش قضایی و... پیشنهاد می‌گردد و شخص اول فراکسیون با "بوسه‌های سینمایی" از آنها استقبال کرده با این گفته‌های پر از تملق که "شماها استادان حزب و پیش‌کسوتان ما هستید" به آنها خوش‌آمد می‌گوید - تا با منی همچون منی ...

فراکسیون بازان در قسمت دیگری از گفتار رادیویی خود رهبری انقلابی حزب دمکرات را متهم میکنند که گویا "در برابر مزد دریافتی" از مجاهدین از سیاست مذاکره‌جویانه فراکسیون با رژیم خمینی سخن گفته‌اند و هرگونه مذاکره با رژیم خمینی را انکار میکنند. می‌گویند دروغگو حافظه ندارد. شما می‌توانید شماره ۹۹ کوردستان را یکبار دیگر ملاحظه بفرمایید و شاهکارهای سعید بدل، را که بدون توجه به مصالح فراکسیون، مذاکره را افشاء نموده است، ببینید. اگر اسامی مذاکره‌کنندگانی را که از طرف آقایان نمایندگان در "بیتوش" آلان با نمایندگان جمهوری اسلامی در مردادماه ۶۳ بیاد نمی‌آورید ما میتوانیم اسامی آنها را بازگو کنیم. بگذار آقایان نگاه با صراحت تمام بنویسند که از سال ۵۹ بعد با رژیم خمینی هیچگونه مذاکره‌ای بعمل نیامده است! نویسندگان گفتار از شدت دستپاچی در چند سطر بعد با زهم به فراموشکاری دچار می‌شوند و می‌گویند که در رهبری سابق حزب کسانی بوده‌اند که حتی پیشقدم شدن در مذاکره را با رژیم خطا میدانستند و می‌گویند این مساله‌ای نیست که در صفوف "حزب" جزو اسرار نهان باشد و

ساری حتی در بدنه، حزب از آن آگاهند. حل الحال! از یکطرف عالیهایان منکر وجود هرگونه مذاکره‌ای می‌شوند و از طرف دیگر ادعا می‌کنند که در رهبری سابق کسانی وجود داشته‌اند که خواهان پیشقدم شدن در مذاکره بوده‌اند! و بعد بلافاصله مدعی می‌شوند که همه افراد حزبی از چند و چون مذاکرات مطلع بوده‌اند. راستی اگر مذاکره‌ای در بین نبوده است "افراد حزبی از چه چیزی خبر داشته‌اند؟" و اگر گفته "خبرتان صحت دارد" که دارد. بنابراین بعد از سال ۵۹ نیز تلاش برای مذاکره همچنان ادامه داشته است.

فراکسیون در دفاعیه، سراپا کذب خود مدعی می‌شود که تنها معدودی از اعضاء یکی از ارگانهای حزبی خواهان تشکیل کنگره، فوق العاده بوده است و گویا این خواست هم بمنظور فریب "افراد ساده" حزب صورت گرفته است. بهتر بود فراکسیون پیش از آنکه بدون مقدمه خشم و غضب خود را آشکار کند و کادرها و پیشمرگان حزب را "افراد ساده" بنامد به این سوءال پاسخ میداد که چرا این "افراد ساده" خواهان تشکیل کنگره، فوق العاده بودند؟ مگر از تاریخ تشکیل "کنگره هشتم" تا هنگام درخواست تشکیل کنگره، فوق العاده چند روز فاصله وجود داشت؟ واقعیت این است که حضرات جرات ندارند آشکارا بگویند این درخواست "افراد ساده" حزبی برای خنثی کردن فتنه آنان بوده است. آنان از قبول این واقعیت وحشت دارند که مسبب این فتنه خود رهبران فراکسیون بوده‌اند، چرا که آقایان عادت ندارند در برابر هیچکس خود را مسئول بشناسند. آنان بخواهند افراد حزبی همچون محجورینی مینگرند که به قیم نیاز دارند، همچنانکه خمینی نیز معتقد است می‌تواند بجای همه بیاندیشد و

به جای همگان سخن بگوید. اگر در حزب دمکرات "افراد ساده" ای وجود دارند که نفع و مصلحت خود و حزب را تشخیص نمیدهند و آنقدر ساده هستند که فریب میخورند و به دیگر سخن رشد عقلی ندارند و آدمهای قابل ترحمی محسوب میشوند، شما به چه حقوق و با کدام مجوزی آنها را روانه میدانهای جنگ می کنید؟ و یا رهبری شما بر مستی "ساده اندیش فریب خورده" چه مفهومی میتواند داشته باشد؟ حقیقت مطلب این است که فراکسیون گوش شنیدن درخواست برگزاری کنگره فوق العاده را نداشته است. رهبران فراکسیون از بی اعتبار شدن خود در صورت تشکیل کنگره فوق العاده سخن میگفتند. نمایندگان که به نزد فراکسیون نیست - ها و در راس آنها سعید بدل میرفتند، با تهدیدات و خط و نشان کشیدنهای او روبرو میشدند. چرا که اگر کنگره فوق العاده ای برگزار میشد دیگر برای فراکسیونیهایی نظیر سعید بدل و افراد نالایق دیگر که به ناحق مسئولیت های حزبی را غصب کرده بودند جایی نمی ماند و فتنه گران نیز برای همیشه از فتنه گری محروم میماندند.

فتنه ای که دکتر قاسملودر "کنگره" هشتم برانگیخت بی هدف نبود. در واقع، دکتر قاسملو که خود را در مرز باز نشستگی می بیند و مقدمات آن را برای ۳ سال دیگر می چیند و پس از آن خیال دارد در اروپا اقامت کرده امور حزب را منحصرأ به سعید بدل واگذارد - این عالیجناب برای ادامه خط سیاسی آقای قاسملو مطمئن ترین کسان اوست - می خواست بطریقی خیال خود را از هر جهت آسوده سازد تا زمام امور حزب را مادام العمر در اختیار بگیرد و خود از دور به فرمانروایی ادامه دهد. عجب! چیزی که حضرات به آن اعتقاد ندارند به دیگران

تست می‌دهند. آنان می‌گویند که رهبری انقلابی به سرنگونی رژیم و مبارزه با آن ایمانی ندارد. حا دارد از رهبران فراكسیون سوءال شود اگر شما در درون خود كمتريـن اعتقادی به سرنگونی رژیم و مبارزه با آن داشتید، به مذاکره با آن كشیده می‌شدید؟ آیا رهبری فراكسیون همهٔ انرژی و امکانات حزب را برای تشدید مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی بكار گرفته است؟ در كحای جهان دبیركل يك حزب انقلابی اجازه دارد ۶ ماه از سال را در اروپا بگذرانند و به سیر و سیاحت بپردازد؟ در اینمورد "افراد ساده" حزب "به مزاج می‌گویند که رهبر مرض فشار پولش عود کرده برای رفع و رجوع نیاز به خروج دارد. ما می‌رسیم از حساب خرجهای سرسام‌آور آقای دبیركل، که هیچگاه اجازه نداده است کسی از آن مطلع شود، آیا احدی آگاهی دارد؟ آقای "دبیركل" ! كافی است که شما فقط برای يكبار هم که شده هزینهٔ سفر خود را برای شرکت در "کنگره" انترناسیونال سوسیالیست به پرو و سایر خاتمه‌خارجیها به این "افراد ساده" حزب بدهید و بعدا دیگران را به سرقت اموال حزب متهم کنید. اگر شما "افراد ساده" حزب را چون عوامل اجرایی صرف نمی‌نگرید، چرا نباید آنان را از مسائل و امور مالی حزب در اروپا که در اختیار افرادی غیرحزبی است مطلع سازید؟ اگر در همهٔ کنگره‌ها و پلنوم‌های قبلی در این رابطه از حساب‌پس‌انداز حزب سخن بمیان آمده است و روءسای فراكسیون در این مورد خود را مسئول گزارش ندانسته‌اند، اینك که انحصارطلبان علیه حزب به فتنه‌گری كشیده شده‌اند باید حساب موجودی‌های حزب و دارائیهای آنرا در داخل و خارج و در نزد اشخاص متفرقه به "افراد ساده" حزب بدهند. حداقل به اعضاء حزب که داروندار

خود را در راه مبارزه از دست داده‌اند، بگوئید چند دستگاه آپارتمان در شهر پاریس به نام آقای "دبیرکل" ثبت شده است! ما تنها از چهار دستگاه خبر داریم .

فراکسیون کذایی در گفتار رادیویی اش اعلام می‌کند گزارش کمیته مرکزی با توافق آراء تصویب شده است و مخالفتی با آن در میان نبوده است. همه می‌دانند که پس از چاپ و انتشار گزارش کمیته مرکزی، معلوم گردید بخش قابل توجهی از پیشنهاد های اصلاحی نمایندگان در "کنگره" در گزارش نیامده و بعضی از تصمیمات و قرارهای صادره به نظر "کنگره" نرسیده و نیز مطالبی به اساسنامه اضافه شده است که در اساس جعلی بوده و بهیچوجه در "کنگره" مطرح نشده بود. آنها که بدون توجه به نظرات اعضاء "کنگره" برنامه و اساسنامه حزب را پس از تصویب دزدانه دستکاری کرده‌اند، هدف کاملاً مشخصی را دنبال نموده‌اند. یکی از اهداف آنها تبدیل عضویت عده‌ای از اعضاء به هوادار تشکیلاتی بوده است، و با اینکار خواسته‌اند همه کسانی را که به نحوی به مخالفت با سیاستهای انحرافی فراکسیون بر می‌خیزند از حق شرکت در کنفرانسهای حزب محروم سازند، چرا که اصولاً یک عضو هوادار نمی‌تواند در این قبیل جلسات رسمی حضور یابد.

در گفتار رادیو بدل ادعا می‌شود که گویا رهبری انقلابی پس از انتخاب نشدن در "کنگره" اعلام موضع کرده است. این گفته نیاز به روشنگری دارد؛ همه آنانکه در "کنگره" هشتم حضور داشتند میدانند که پس از تحمیل "لیست فیکس" و اجرای طرح فتنه شرفکندی - قاسملو در "کنگره" و رد همکاری با فراکسیون از طرف اعضاء کمیته مرکزی، "کمیسیون خواهش و تمنا"ی فراکسیون در مدت ۲ روز توانست تنها یکی از مخالفین فتنه‌گران

را با دادن وعده به همکاری با خود همراه کنند و به همه آنانکه اکنون خارج رهبان فراكسيون شده‌اند، وعده پست و مقام و اعزام به خارج داده شد. علاوه، شش نفر از رفقای عضو رهبری انقلابی از جمله کسانی بودند که نامشان در لیست کذایی نوشته شده بود، اما از آنجا که چنین شیوه‌ای از "انتخابات" را خلاف اصول مندرج در اساسنامه حزب می‌دانستند، نام خود را از لیست خط کشیدند و به این ترتیب حاضر نشدند با فتنه‌گران همدست شوند.

پس از مراجعت کادرها و نمایندگان از "کنگره" به محل استقرار خود و آشکار شدن عملکردهای ضد مکرراتیک و خلاف اساسنامه‌ای فراكسيون، اکثریت چشمگیری از اعضاء، کادرها و پیشمرگان ضمن ابراز انزجار نسبت به چنین اعمالی، خواستار تشکیل کنگره فوق العاده شدند. اما فراكسيون به بهانه حفظ "آبرو و حیثیت"، این خواست مشروع را رد کرد و به تهدید متوسل شد.

اعلام عدم مشروعیت "کنگره" که برگزاری آن با انواع دسایس و تقلبات همراه بود، ضرورت داشت چرا که شخص دکتر قاسملو بارها پس از اتمام "کنگره" از آن بعنوان فتنه نام می‌برد. حادثه‌ای که غیر از نام "فتنه" شایسته عنوان دیگری نباشد، به هیچ عنوان مشروعیتی نخواهد داشت.

لیست کذایی، که در واقع تبلور کامل نیات فتنه‌گران بود، در پلنوم پیش از "کنگره" حتی با مخالفت چند نفر از اعضاء کمیته مرکزی فراكسيون روبرو گردید. از میان آنها، می‌توان به مسئولین دفاتر فراكسيون در سلیمانیه و بغداد، یکی از اعضاء دفتر سیاسی فراكسيون، و یکی دیگر از اعضاء "کمیته مرکزی"

که در منطقه، سپی‌سنگ‌کار می‌کند، اشاره کرد.

اشاره به چند مورد از تقلباتی که در کنفرانسهای پیش از "کنگره" صورت گرفت می‌تواند کافی به مقصود باشد: ۱- نماینده اتریش را به دلیل آنکه مخالف فِراکسیون شرفکندی- قاسملو بود، به "کنگره" راه ندادند و به جای وی نفر دوم را که از ۳۶ رای اعضاء شرکت‌کننده در کنفرانس تنها ۹ رای بدست آورده بود بر "کنگره" تحمیل کردند. ۲- با بکارگیری شگردی ماهرانه از راه یافتن ۷ نفر از کادرهای کمیسیون امور اجتماعی به "کنگره" جلوگیری کردند. ۳- مداخله خودسرانه دکتر قاسملو در شیوه‌گزینش نمایندگان اعزامی به "کنگره" در کنفرانس آموزشگاه سیاسی- نظامی، باعث گردید دو نفر از کاندیداها به ناحق و برخلاف اساسنامه از حق انتخاب شدن محروم گردند.

فِراکسیون از اعضاء رهبری انقلابی به عنوان ژنرال‌های بدون سرباز نام می‌برد و آنها را متهم می‌کند که از میدان جنگ فرار کرده‌اند. به عقیده ما در اینجا نیز رهبران فِراکسیون، بویژه آقای دکتر قاسملو کم "لطفی" نموده و ابداً به این واقعیت توجه نکرده‌اند که ممکن است طرح چنین مسائلی پیش از هرکس به زیان خود ایشان تمام شود؛ حوادث مربوط به درگیریهای سخت و خونین "ماه مقاومت" در سال ۶۱، بویژه در ناحیه آلوتان، و شرکت نیروی پشتیبان در این درگیریها به حمایت از نیروی پیشمرگ حزب مساله‌ای نیست که به این زودیها فراموش گردد. آیا دکتر قاسملو از یاد برده است در حالی که رهبر نیروی پشتیبان ستاد فرماندهی خود را به دشت ساوان، واقع در چند کیلومتری آلوتان، منتقل کرده بود و در زیر آتش توپ و خمپاره، نیروهای رژیم جمهوری اسلامی به کار سازماندهی

نیروهای پیشمرک و تدارک جبهه مشغول بود، خود او (دکتر قاسملو) جبهه را رها کرده و به آلان سردشت پناه برد؟ و این در حالی بود که عنوان پرطمطراق فرمانده کل نیروی پیشمرک را بر خود گذاشته بود؟! آیا بهانه‌ای که ایشان برای فرار خود از جبهه ارائه می‌دادند (اجاره کردن خانه برای دفتر سیاسی!) احدی را قانع می‌کرد؟ بهیچوجه، چراکه مثلاً یکی از کادرهای رادیو (که هم‌اکنون نیز همان مسئولیت را دارد) در کنفرانس پیش از کنگره ششم دکتر قاسملو را مورد انتقاد قرار داد و متذکر شد: "ترک جبهه از طرف دکتر قاسملو نمی‌تواند به هیچ عنوان قابل توجیه باشد."

نمونه‌ای دیگر: همه کسانی که در اواخر تابستان ۶۲ در مقر مرکزی دفتر سیاسی در آلان سردشت حضور داشتند خوب بیاد دارند که آقای صادق شرفکندی، جانشین وقت دبیرکل، بدلیل مخالفت با سفر نابهنگام دکتر قاسملو به اروپا، در غیاب وی حاضر نشد به وظیفه نیابت خود در این مسئولیت عمل کند. نامبرده در جلسه دفتر سیاسی نسبت به تصمیم غیرمنتظره دکتر قاسملو به شدت اعتراض داشت و رفتن وی از کردستان در آن روزهای حساس را شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیتی می‌دانست که در حزب برعهده داشت، لیکن سرانجام "وعده" ملاقات با دوستان اروپایی بر مسئولیت خطیر او (دکتر قاسملو) چربید و بالاخره عازم سفر خود گردید.

و باز هم نمونه‌ای دیگر: در اوایل تابستان گذشته، شایعات مربوط به تهاجم نیروهای رژیم خمینی به منطقه گلاله قوت گرفته بود. هنوز اولین واحدهای ایرانی از رودخانه مرزی زاب کوچک نگذشته بودند که دکتر قاسملو به بهانه نظارت بر کارهای

خانه‌سازی! در محل جدید دفتر سیاسی، ناگهان از صحنه ناپدید گردید. و این در حالی بود که میان محل سابق دفتر سیاسی در "گه‌ورهدی" و جبهه جنگ، سلسله ارتفاعات صعب‌العبور گوجار قرار داشت و خطر چندانی مرکزیت حزب را تهدید نمی‌کرد. هم بدان علت بود که مدتها بعد از ترک مقر مرکزی از سوی دکتر قاسملو، همه ارگانهای مرکزی حزب، عده زیادی از نیروهای پیشمرگ و دهها خانواده حزب در آن منطقه باقی ماندند و هیچ حادثه سویی نیز پیش نیامد.

آیا با این تفصیل باز هم رهبران فراکسیون می‌توانند بگویند آنانکه از جبهه جنگ گریخته‌اند، چه کسانی هستند؟! رهبران فراکسیون در پایان گفتار رادیویی خود زمینه را برای یک خیانت بزرگ آماده می‌کنند، و در این راستا به تحریک علیه پیشمرگان حزب دمکرات روی می‌آورند. آنها با "جاش" نامیدن کسانی که دشمنان آشتی ناپذیر جمهوری اسلامی‌اند و در طول سه سال گذشته همواره در صحنه مبارزه حضور داشته و سالها از عمر خود را در زندانهای رژیم شاه سپری کرده‌اند، در واقع به همه پیشمرگانی اعلان جنگ می‌دهند که بود و نبود خود را درگرو آزادی خلق خود گذاشته‌اند.

لیکن ما بر خلاف نظر رهبران فراکسیون اعلام می‌نمائیم هیچ یک از افراد حزبی، حتی اگر در صفوف فراکسیون باقی مانده باشند، را به عنوان "جاش" نمی‌شناسیم، زیرا آنها همسنگران ما هستند، و ما خود را ملزم به دفاع از آنها در مقابل دشمنان خلق کرد می‌دانیم.

به اعتقاد ما، کسانی که به تحریک پیشمرگان علیه یکدیگر می‌پردازند تا زمینه درگیری میان آنها را فراهم نمایند،

دقیقا در راستای خیانت به مردم کردستان و جنبش آن کـــام
برخواهند داشت . پیشمرکان حزب دمکرات کردستان ایران سلاحهای
خود را تنها در جهت انهدام رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی، این
دشمن مشترک خلقهای ایران، در راه استقرار یک رژیم دمکراتیک
و تحقق خودمختاری کردستان، به کار خواهند گرفت، و به این
ترتیب مشت کوبنده‌ای بر دهان کسانی خواهند زد که منافع
خود را در به راه انداختن جنگ برادرکشی در درون جنبش ملی-
دمکراتیک خلق کرد جستجو می‌کنند.

هه و النامه ی کتیب



مردم شرافتمند کردستان ،

زحمتکشان مبارز منطقه، سردشت ،

اعضا و پیشمرگان دلیر نیروی گپارنگ ،

موضوعی انقلابی و قاطعانه، رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران که در اعلامیه منتشره در مورخه ۱۳۴۷/۱/۱ منعکس شده است ، در واقع ترجمان خواستهای قلبی و دربرگیرنده اعتقادات اکثریت قریب به اتفاق کادرها ، پیشمرگان، اعضا و پیشمرگانی است که بود و نبود خود را در راه دستیابی به آرمانهای والای حزب دمکرات کردستان ایران در طبق اخلاص گذاشته ، برای تحقق این آرمانها رنجها و مشقات چندین ساله را بر خود هموار کرده اند، ما، اعضا و کادرهای کمیته، شهرستان سردشت ، که بدلیل قرابت جغرافیایی منطقه، سردشت به مرکزیت حزب ، از نزدیک شاهد بسیاری از عملکردهای نادرست فراقسوم سلطه جوی شرفکندی - فاسلو در طول سالهای گذشته بوده ایم، بخوبی بر حقانیت نظرگاههای رهبری انقلابی واقف هستیم .

کمیته، شهرستان سردشت طی سالهای گذشته ، بدلیل وجود تنی چند از وابستگان و مهره های دست چپ شده، فراقسوم مذکور در پستهای حساس تشکیلاتی و نظامی، همواره بصورت کانسون توطنه ها ، قاجاقچیگری ، زدوبست با عوامل و عناصر مشکوک مربوط به رژیم خمینی بوده است . طی این مدت ، ابزار هرگونه نارضایی از جانب اعضا، کادرها و پیشمرگان و فرماندهان آنها در سطح شاخه ها و دسته ها با تهدید و ارعاب و در بسیاری از موارد با اعمال تعقیب های سرجمانه پاسخ داده شده است . بر حسب زهی، شایعه پردازی و ترور شخصیت ، و حتی تهدید مخالفان، حره هایی بوده است که گزارا مورد استفاده، کارگزاران این فراقسوم قرار گرفته است ، در همین مدت صدها نفر از شجاع ترین پیشمرگان و دهها نفر از مادیترین کادرهای منطقه، سردشت از حزب اخراج گشتند و کار به جایی رسیده است که اینک کمیته، شهرستان سردشت که تا چند سال پیش بسی بیشتر از حد نیاز منطقه، کادر سیاسی در اختیار داشت ، اینک به حنان درحای از ضعف دچار شده است که فراقسوم محصور شده با استفاده از کادرهای سایر مناطق کمبود آن را جبران نماید، بطور خلاصه، بلایی که بران و سرکردگان قدرتمند فراقسوم بر سر کمیته، شهرستان سردشت آورده اند، جز یک حرانکاری عمدی و غر از دشمنی آشکار با تمامی اصول تشکیلاتی و حزبی هیچ معنا و مفهوم دیگری ندارد .

کرداندگان فراقسوم آنجا که به عملیات قهرمانانه، نیروی گپارنگ اشاره می کنند عمدا از این واقعیت روی می گردانند که نفس وجود نیروی پیشمرگ و بخش بزرگی از پیروزیهای آنها که طی این چند سال در منطقه، سردشت در برابر نیروهای سرکوبگر رژیم بدست آمده است حاصل عداکارسها و از خودگذشتگیهای دهها نفر از کادرهایی بوده است که با تلاش شان روزی خود به کار تسلیمی ادامه داده اند و در اینراه از رویاروشدن با هیچ نوع مشکلاتی تردیدی از خود نشان نداده اند، همه، افراد حزبی در منطقه، سردشت و پیشمرگان دلیر نیروی گپارنگ باید متوجه باشند وقتی نتیجه، چندین سال زحمات طاقت فرسای دهها نفر از کادرهای مو، من حزب به نگارده مورد انکار قرار می گیرد و بلندگوی تبلیغاتی فراقسوم از همه، آنها به عنوان انگل یاد می کند، کاملا معلوم است پاداش شما اعضا و پیشمرگان قهرمان چه خواهد بود، بدون تردید سرنوشتی که تا به امروز گریبانگیر صدها پیشمرگ و دهها نفر از بهترین کادرهای حزب در منطقه، سردشت شده است، دیر یا زود گریبانگیر شما نیز خواهد شد .

با توجه به حسن حفاظتی اسب که ما ۱۶ نفر از کادرهای کمیته، شهرستان سردشت، مسئول
نابند کامل نظرگاهها و مواد دهکانه، مندرج در اعلامیه، فوق الذکر و پشتیبانی از رهبری
انقلابی، برای پیشبرد سیاستها و مواضع اصولی این رهبری و افتخار هرچه بیشتر خط مشی
ارتجاعی و انحرافی فראکسیون ترافکندی - فاسلو، قاطعانه اعلام آمادگی می‌نمایم. در
همانحال، از کلسه، پیشمرگان دلبر نیروی کنارنگ و همه اعضا و کادرهایی که قربانی
سیاستهای کینه‌پورانه و استقامت‌ناپذیرانه، این فראکسیون گشته‌اند و نیز از مردم دلسوز و خداکار
منطقه، سردشت که همواره و در هر شرایطی بار و بار حزب محبوب خود بوده‌اند، انتظار داریم
با همه توان خود به حمایت و پشتیبانی عملی از رهبری انقلابی برخیزند و با افتخار و طرد
دوالبیانی که سالها بر کرده، حزب سوار شده و رمقی برای تشکیلات آن باقی نگذاشته‌اند،
وظیفه، انقلابی خود را در برابر حزب و خلق به انجام رسانند.

امضا: ۱۶ نفر از اعضا و کادرهای
کمیته، شهرستان سردشت

۱۳۶۷/۱/۱۱

رونوشت: رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران

تکثیر از: بخش انتشارات
حزب دمکرات کردستان ایران
رهبری انقلابی

۱۳۶۷/۱/۱۲

هم وطنان گرامی:
برای مکاتبات با حزب دمکرات کردستان ایران رهبری
انقلابی به آدرس زیر مراجع فرمائید.

P.D.K.I. C/O KARIMZADEH
B.P. 109 75005 PARIS FRANCE

بخش انتشارات
حزب دمکرات کردستان ایران
رهبری انقلابی

فروردین ماه ۱۳۶۷